

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مکالمه روزمره انگلیسی



گمشته ای بنام اصالت و آشنایی بنام روزمرگی

نویسنده: قبادی، مهدی

معمار

hamidx6@gmail.com

چکیده

جدایی گذشته از حال و آینده و همچنین بحث در مورد این موازین که آیا گذشته به آینده کمک کرده است یا تنها آینده بدون وابستگی به گذشته توانسته به پیش رود، از بحثهای متداول این روزهاست که کم و بیش از نقاط گوناگون جهان به گوش می رسد.

در این مقاله سعی گردیده که از نگاه و منظر دیگر به این موضوع توجه شود و لایه های دیگری که موجب این جدایی شده است را بیان نماید و از نظر باطنی، جهت گذشته - حال و آینده را مورد کنکاش قرار دهد تا چگونگی رسیدن جهان در این نقطه تکاملی را مورد هدف قرار دهد و بتواند نفی یا حُسن او را بیان نماید.

نه می توان گذشته را نفی کرد و نه می توان حال و آینده را نقد پیش از موعد انجام داد. به این منظور که تنها آینده باید به گذشته تبدیل شود و زمان آن تغییر پیدا کند تا بتوان آنرا نقد کرد، چه از منظر مثبت اندیشی و چه از دید تجربه اندیشی برای آیندگان.

همانطور که تمدن پر سابقه ایران به ما نشان می دهد و ایرانیها امروزه به گذشته خود افتخار می کنند، می توان با یک نگاه ماورایی به این نکته حائز اهمیت رسید که گذشتگانی که ما امروزه به آن می بالیم در زمان خلق آثار خود، بیشترین توجه به زمان حال خود، ملاک عمل قرار می دادند نه اینکه آیندگان در مورد آنها چه تفکری خواهند داشت. می توان گفت که این اصلی ترین عامل برای رسیدن به تعالی است یعنی توجه به حال.

در این بحث سعی شده که از زوایایی دیگری نبود این حال و مشکلات این روزهای معماری دیده شود و در حد توان به آنها توجه و راهکارهایی ارائه گردد.

کلمات کلیدی:

سنت، مدرنیته، اصالت، هویت، معماری



مقدمه :

اهمیت و شناخت هویت این روزهای معماری سبب گردید تا رجوع به پرسشهای که اغلب مرتباً با حوزه معماری و فرهنگ با آن روبرو هستند ، سبب شود که مقالاتی برای دریافت مشکلات و چالشها و راهکارهای آن تهیه گردد. هدف از طرح مسائلی همچون :

آیا به واقع مشکل معماری تقسیم بندی های آن است ؟

آیا به واقع مهم است که تاریخ شروع مدرنیته ، پست مدرنیته چه زمانی است ؟

آیا اصولاً مگر می توان دورانی را با یک تاریخ شروع و یا تمام کرد و زندگی با این تاریخ ها می ایستد ؟

مطالب تحقیق نشانه برداشت از مقالات و تفکراتی که در این عرصه بیان شده است ، می باشد و سعی دارد به بیان نزدیک این مشکلات و ارائه راهکارهایی برای برداشتن فاصله میان اندیشمندان ، صاحبان اثر و عامه مردم بپردازد. مقالات در حوزه هویت و معماری به انواع گوناگون وجود دارد اما به طور حتم هر مقاله ای به گوشه هایی از نکات پر ابهام این حوزه پرداخته است که این تحقیق نیز از آن مستثنا نیست و طرح مسائلی کلی را هدف قرار داده است و به دنبال مقابله با این مشکلات است.

قالب کلی مقاله به تفکر معماران و کارفرماها که اصولاً از مردم عامه هستند قرار گرفته است.

« در یکی از شهرهای بزرگ جهان در شرق یا غرب ، شمال یا جنوب ، خیابانی را تصور کنید که در بیش از سی قطعه ای خالی از زمین های آن ، به بیش از سی معماری که بانی مسعود از آنان نامبرده ، پروژه های واگذاری شود تا طرحشان ساخته شود . در این خیابان خیالی ، دو گروه در حال گذرند ؛ معمار و گروهی غیر آن . از این جهت گذرندگان را به دو گروه تقسیم کردم ، چون به نظر من تعلیمات و سپس حرفه ای معماری از ما موجودات کاملاً متفاوتی می سازد که گاه خودمان نیز از شناخت آن در می مانیم و می پرسیم ، ما دیگر چه هستیم ، که هستیم و چه می کنیم .

حال از یکی از دو گروه گذرنده از خیابان فرضی مان : مثلاً غیر معماران ، پرسیم که چه می بینی ، چه احساسی داری ، نظرت چیست و از این قبیل سئوالات کلیشه ای و تلویریونی ، به احتمال زیاد اول گیج خواهد شد و جواب سریعی نخواهد داد ، ولی اگر سماجت کنی ، دست به شکوه و شکایت خواهد گشود که این دیگر چه خیابانی است ، آیا « Disney World » جدیدی از دل زمین سر بر آورده ، یا برای شادی و بازی بچه هایمان محبت کرده و چنین معجونی غریبی را ساخته اند .

ولی ما معماران مسلماً نظر دیگری خواهیم داشت ؛ مگر می توان از کنار این همه اثر معروف و شاخص معماری بی تفاوت گذشت . دوربین هایمان به کار خواهد افتاد و همین طور زبان و قلم هایمان . بحث خواهیم کرد ، تئوری خواهیم بافت و چند شماره از مجله هایمان را پر خواهیم کرد ، همچنین گله خواهیم نمود که چرا قطعه زمین هایی به ما معماران با استعداد ایرانی اختصاص داده نشده تا همچون سینماگران به هنرنمایی بپردازیم ، مگر ما از دیگران چه کم داریم !

خیابانی که تصور کردیم ، چندان هم تخیلی نیست و در مقیاس های خلق شده گوناگون شاهد آن هستیم ، دبی بیخ گوشمان است و سفره ی بیکران برای خلق آثار معماری ستارگان معروف .

بنابراین ، ظهور چنین مجموعه هایی در شهرهای جدید و توسعه های جدید شهری ، چندان دور از انتظار نیست . گویا تفاوت داشتن و کار متفاوت کردن در ذات هنر و معماری امروز است . هنگامی که در اوایل قرن بیستم ، هنری راسل هیچکاک نویسنده و منتقد انگلیسی و فلیپ جانسون معمار امریکایی کتاب « سبک جهانی در معماری » را منتشر نمودند ، باورشان نمی شد که در پایان همین قرن ، معماری مدرن و سبک جهانی ، تمام جهان را در نوردد و پایه و اساس تمام ساخت و سازها را در همه جا تشکیل دهد .



علیرغم تمام تفاوت‌هایی که قبلاً توضیح دادم، اصول معماری مدرن از قبیل عملکردگرایی، ضد تاریخی بودن، استفاده از مصالح جدید، استراکچر نمایان و چند موضوع دیگر، هنوز در بطن تمام بناهای متفاوت امروزی، به طور آشکار و نهان نمایان است.

به قول چارلز جنکس، معماری پست مدرن یعنی معماری مدرن به اضافه‌ی ... و این اضافه می‌تواند همه چیز باشد؛ تاریخ فلسفه، تکنولوژی و حتی هر نوع فیل هوا کردن.

در اینجا می‌توان به دو نکته نیز اشاره کنم، اول اینکه خوشبختانه دوران فلسفه بافی‌های دور و دراز در معماری به سر آمده و هر کسی سر جای خود برگشته است. از جدال آیزنمن و دریدا چندان خبری نیست و قرن ۲۱ باید قرن پرداختن به خود معماری و نیازهای واقعی بشر، که حل مشکلات محیط زیست و گرفتاری‌های این سیاره‌ی کوچک و زیبا است، باشد. دیگر اینکه خیابانی را که در ابتدای این نوشته توصیف کردم، باید بپذیریم. در جهان امروز دیگر نمی‌توان به دستور خان یا حاکمی که تمام زمین‌ها را در اختیار دارد، آن معماری همگون و یکدست و زیبا را آفرید. جهان امروز، جهان تفاوت‌هاست و آزادی و دموکراسی واقعی، معماران و معماری را نیز شامل می‌شود و نمی‌توان آنان را در قالب‌های از پیش تعیین شده گنجانده. معماری، هنر خلق فرم و فضاست و ذهن آدمیزاد بی‌کران و بی‌انتهاست. «(بانی مسعود، ۱۳۸۷، ۸).

چگونگی شکل معماری؟

چرا معماری؟، به نقل قول از دکتر دیباج: «تمام فرهنگ و هنر یک ملت و تمدن آن در معماری آن تجلی پیدا می‌کند.» (دیباج، ۱۳۸۹).

تمامی بحث بر سر این موضوع است که آیا ما به عنوان معمار و مردم به عنوان استفاده‌کنندگان از یک فضایی که معماران برای آنها خلق کرده‌اند لذت می‌برند و متناسب با روحیات آنها است یا خیر؟ در آن به احساس آرامش خواهند رسید یا تنها به عنوان سقفی بر بالای سر خود از آن استفاده می‌نمایند؟ و آیا معماری با اصالت و با کمال در زمان محدود می‌شود؟ و آیا معماری حال، خاصه استفاده‌کنندگان را دنبال می‌کند یا به دنبال چیزی به جز معماری است و در واقع می‌توان گفت که معماری به یک ابزار رسانه‌ای تبدیل شده است تا یک هنر غایی؟

شاید برای باز کردن معنی «خود معماری» نیاز به چند مثال باشد. اگر توجه به آثار حال حاضر معماری جهان و معماران جهانی و روند معماری امروزی توجه داشته باشیم به این نکته قابل بیان خواهیم رسید و آن نیز توجه به آینده - تکنولوژی و سرعت، دقیقاً همان منظوری که فتوریسم‌ها در مورد آثارشان تاکید می‌ورزیدند و بروی همین مبانی به خلق آثار می‌پرداختند. هدفی که متأسفانه معماران به طور خواسته یا ناخواسته دنبال می‌کنند، یعنی طراحی معماری برای سال‌های ۲۱۰۵-۲۱۰۶-۲۱۰۷-۲۱۰۸ ... برای بدست آوردن اهداف دیگری است! فارغ از هر بحثی که توان مهندسی را نشان دهد. (کیگان، ۱۳۸۶).

البته باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که هدف غایی فتوریسم‌ها نیز این نبوده است. اهدافی مانند برتری تکنولوژی هر قدرتی نسبت به قدرت دیگر - سرعت - اقتصاد - پول - استعمار و استثمار و در نهایت به سلطه رسیدن و در آخر هم به هیچ رسیدن. در صورتیکه برای ساخت و ساز در کره ماه به سراغ معماری گذشته و تکنولوژی گذشته همچون خاک و شن می‌رویم.

معماری این روزهای جهان فارغ از تعصب بروی هویت، پر از تفاوتها و در برخی موارد شگفتی آور چه در طراحی و چه در ساخت است. ولی چرا هنوز با این تکنولوژی گسترده سراغ عناصر گذشته می‌رویم؟

اگر دو معمار را فرض کنیم، هرچند به هیچ وجه تمایل به تقسیم کردن نیستیم ولی برای باز کردن مطلب نیاز به ذکر مثال برای ملموس شدن چرایی این نکته که این تفاوتها سرچشمه از کجا دارند و چه باید کرد آنرا انجام می‌دهیم.

این دو معمار که هر دو در سبکهای مختلف کار کردن و جوایزی برده‌اند، یکی به منزله نهایت استفاده از تکنولوژی در معماری در جهان زبان زد هست، همچون «فاستر» و دیگری استفاده از تکنولوژی همراه با زندگی نسبی مانند «پیانو» شاید بتوان با این دو نمونه کاربرد منظور از تکنولوژی در معماری را بیان کرد. اما در میان این دو سبک معماری این دو معمار، معماران دیگری وجود دارد همچون «کان» و «آیزنمن». که یکی در اعصار مختلف عمر کاری خویش به روح زندگی توجه داشته است و دیگری به روح زندگی در جوامع امروزی، اما بیشترین نمایش استفاده از تکنولوژی در معماری به منزله یک قدرت جذابیت را می‌توان در کارهای «کالاترو» جست و دید. تکنولوژی که منحصر به فرد خود او است و در بین دیگر معماران این عرصه به شکل جذابی خودنمایی می‌کند.



در واقع می‌توان با این بیان سؤال بالا را پاسخ داد که عناصری که از روح متعالی انسان سرچشمه گرفته پایدار تراند تا به عناصری که به روزمرگی و به روز بودن معرفی می‌گردند. این عناصر هر چقدر که تفاوت با یکدیگر داشته باشند چه از نظر تکنولوژی ساخت و چه از هر لحاظ دیگر، اگر سرچشمه خود را گم نمایند به منزل مقصود که همان هنر متعالی است نخواهند رسید. با وجود این مطلب می‌توان گفت که معماری معمارانی همچون «کان» همیشه پایدار است. ولی با این مطلب نمی‌توان از این اعتقاد خارج شویم که تمامی کسانی که در بالا ذکر شد، اولاً با آگاهی کامل دست به خلق چنین آثاری می‌زنند و ثانیاً تمامی آنها در کنار هم به شاخصه زندگی که، اصلی‌ترین آن نمود تفاوتها است، می‌رسند. همه و همه لازمه زندگی است به این منظور که چیزی در دنیا نیست که بد باشد. معماری هر یک از آنها درست و مقبول است. چیزی که اهمیت دارد فضا و افراد استفاده‌کننده از آن است.

برای نمونه می‌توان به تجربه ساخت و استفاده ساختمانی همچون «خانه آبخار» که به معماری معمار مطرحی همچون لوید رایت اشاره کرد که برای معماران از دید معماری یک شاهکار به حساب می‌آید اما از دید استفاده‌کنندگان آن بدترین نوع تجربه فضایی آنها محسوب می‌شود. از طرفی نیز می‌توان گفت که حرکت بسوی آینده پسندیده است به شرط آنکه از روحیات آیندگان با خبر بوده و صرف یک نمایش تکنولوژی و یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده برای اهداف ذکر شده بالا همچون قدرت، سلطه‌گری و ...، این خلق آثار که روز به روز نیز فاصله تاریخی آن بین، طراحی از حال برای آینده افزایش یافته یک حرکت برنامه ریزی شده نباشد و موجب یک تغییر مثبت بسوی جلو شود. «توجیه انتزاعی تغییر مفهوم، حرکت را به وجود می‌آورد و حرکت در حقیقت یک استعاره است. چیزی که بیش از همه به مفهوم زمان شکل می‌دهد تغییر است، که در قالب رویدادها جلوه می‌کند. این رویدادها می‌توانند زوال و حیات طبیعت باشند یا هر چیز دیگر. تولد و مرگ نیز به خودی خود یک حادثه اند.» (ضمیران، ۱۳۸۲)

بعد از ذکر مسائل می‌توان گفت که اساس معماری امروز «کمبود معماری حال» است، یعنی نبود روح متعلق به فضا. روحی که رایت از آن صحبت می‌کند می‌تواند یکی از راهکارهایی باشد که معماری امروز را با اصالت تر و با هویت تر کند البته شایان ذکر است که هویت و اصالت نه به منزله معانی سابق بلکه به معانی امروزی یعنی تطبیق معماری به هویت اشخاص این دوران.

«مفهوم زمان علی‌الاصول یک مفهوم ذهنی است. چیزی که ذهن ما کشف کرده و برای مشخص کردن زنجیره تحولات و تغییرات آن را به کار می‌برد. همان چیزی که کانت می‌گوید، او معتقد است که زمان یک پدیده کاملاً ذهنی است و عینیتی در مورد آن وجود ندارد. زمان مفهومی انتزاعی است که با پدیده‌ها هموار می‌شود. از این دید تغییرات را در معرض شمارش (که خود مقوله‌ای کمی و انتزاعی است) قرار می‌دهد. بنابراین دریافت ما از رویدادها موقوف به پدیده‌ای ذهنی به نام زمان است.» (ضمیران، ۱۳۸۲)

روح در کالبد معماری می‌تواند از تعاملات شخص و معماری پدید آید، برای نمونه می‌تواند در یک کاخ، یک کپر و یا حتی یک تخت کنار یک حوض بوجود آید. بلکه تخت کنار حوض نیز یک معماری چیدمان است، به این دلیل که بهترین لحظات یک شخص در آن فضاست و بهترین آمال زندگی او در آنجا قرار دارد یعنی همان عینیت و ذهنیت.

باتوجه به مقبولیت موضوع عینیت و ذهنیت بین اندیشمندان و متفکران می‌توان گفت که معماری برای سالهای آتی و مشخصاً برای آیندگان بیهوده است به این دلیل که افراد در زمانهای مختلف دارای سلاقی و علائق متفاوتی با انسانهای این دوره است و نبود توجه به این امر که عینیت و ذهنیت آنها مربوط به همان دوران است، می‌توان گفت که یکی دیگر از راهکارهای رسیدن به معماری با هویت دوری از این دغدغه‌های معماری امروز و تقسیم بندی‌های پیاپی آن است.

گذر اجمالی بروی معماری امروز جهان علی‌الخصوص معماری غرب نکاتی همچون اینکه تنها معماری ما نیست که دچار این بیماری است. یعنی معماری بدون توجه به هویت، اصالت، عینیت و ذهنیت.

اما از این موضوع نباید غافل شد که تنها صورت مسئله یعنی هویت معماری بین معماری ایرانی و معماری غرب مشترک است و در باطن زوایای متفاوتی دارد که در بالا به چندین مورد از آن پرداخته شد. تفاوتی که از دید معماران با سبکهای گوناگون شروع می‌شود تا سوءاستفاده کردن از معماری برای یک ابزار رسانه‌ای قدرت و در نهایت تفاوتی که سرچشمه از تمدن ایران زمین و تمدن غرب بر می‌خیزد.

هویت معماری ایرانی!

تاریخ چند هزار ساله معماری ایران، آنگونه که شایسته است مورد مطالعه و بررسی کافی قرار نگرفته است و در پی آن، معرفی آن نیز دچار سرنوشتی مشابه شده است. هر چند افراد زیادی زندگی خود را وقف شناخت این معماری نموده‌اند، اما متأسفانه نتایج تحقیقاتشان بصورت مدون در اختیار دیگران قرار نگرفته است. بنظر می‌رسد این گروه بیشتر باستانشناسان و متخصصین وابسته تشکیل دهند تا معماران. ایران سرزمینی است که ارمغانهای متعددی به جهان معماری عرضه داشته است، و باز متأسفانه خود دقیقاً نمی‌دانیم آنها چه



هستند ، اگر استاد بزرگ معماری ایتالیا ، پرفسور سن پائولزی بناهای سلطانیه و سانتا ماریا دل فیوره فلورانس را مقایسه نمی کرد ، کدام ایرانی از تاثیر ساختمانی گنبد مقبره الجایتو بر گنبد کلیسای سانتا ماریا دل فیوره با خبر بود ؟ شیوه شناسی و یا سبک شناسی دارای ویژگیهای متعددی است . شاید تفاوتها در کیفیت و کالبد اندام های معماری از مهمترین عامل برای نام گذاری سبکهای ایرانی است . مستشرقین و برخی از محققین ایرانی سبکها را با نامهای بیگانه معرفی می کنند. نامیدن سبکها با نامهای چون عرب ، غزنوی ، سلجوقی ، مغول و ... برای کشور و مردمی که خود تولید کننده سبکها بوده است بسیار دردآور است . در سرزمین ایران هنر معماری شکل می گیرد ، هنرمند ایرانی آن را به اوج خود می رساند و در نهایت قبایل و اقوامی که خود در بیابانگردی به سر می بردند و برخی از آنها این ملت را قتل عام کردند و از سر آنها مناره ساختند ، نام خود را بر آن هنر به يدک می کشانند . هویتی که در فضا با خودبسندگی و مردم واری تا نیارش و پرهیز از بیهودگی در آمیخته است چه می شود که امروزه ما سئوالاتی از قبیل :

هویت به چه معنی ؟

به این معنی ، که آیا هر معماری که در هر زمان دیدیم ، بشناسیم که برای معماری ایران است !
یا اینکه چند درصد مردم یا حتی مردم ایران ، معماری ایران را می شناسند ؟
پدید می آید .

این سئوالات برگرفته از برخورد غلط ما با مقوله تمدن و فرهنگ است ، تمدن و فرهنگی که امروزه ما غرق آن شدیم و حال را از یاد بردیم و یا اینکه تنها از آن استفاده ابزاری کرده ایم بدون آنکه از آن درس بگیریم و برای حالمان برنامه ریزی داشته باشیم و آداب و رسومات کهن که امروزه به شیوه های دیگری بر ما وارد می شوند بر زیر خاک نهادیم . البته از این نکته نباید عافل شد که زندگی امروز برای امروز است و نمی توان نوع زندگی گذشته را به امروز منتقل کرد ولی آیا نمی توان آنرا به شکل امروزی تغییر داد ؟ « اندیشمندان خاورمیانه‌ای غیر ایرانی از جمله زکی النجیب محمود ضمن بررسی ماهیت فرهنگ کهن خاورمیانه بر پایه کلام جدید به اتخاذ جنبه های سازنده فرهنگ مدرن در بافت فرادش سنت بومی رأی داده اند . از جمله کسانی چون شکرپایاد ضمن تحلیل مفهوم اصالت و هویت عربی ، مفهوم فردیت ، ابداع ، خلاقیت و رهایی از قید سنتهای دست و پا گیر را با نگاهی فلسفی تبیین کرده است . اندیشمندان بزرگ عرب در سال ۱۹۷۴ در یک همایش بزرگ فرهنگی مفهوم میراثهای فرهنگی را بررسی کرده و برخورد آنها را با مدرنیته به صورتی بسیار عمیق تحلیل کردند ، از جمله ادريس و عبدالله عبدالدائم در این گردهمایی به بررسی عقلیت خاورمیانه‌ای پرداختند و آن را در راستای تمدن اسلامی توضیح دادند . یکی دیگر از اندیشمندان خاورمیانه که در این زمینه به بحثهای مبسوطی در مورد سنت و مدرنیته دامن زد شاکر مصطفی بود . او فرهنگ عربی معاصر را با فرهنگ و تمدن چین و روسیه و ژاپن مقایسه کرد و گفت گذشته تاریخی اعراب در عقب ماندگی آنها در عصر حاضر نقش انکارپذیری ایفا کرده است ، یعنی اعراب پیش از آنکه به فهم و درک مسائل و معضلات معاصر توجه کنند همواره به بسط و توجیه افتخارات گذشته بسنده کرده اند و موضوع هویت عربی را سرلوحه استدلالهای خود قرار دادند . همین امر به عنوان مانعی در راه فهم و برطرف کردن مشکلات فرهنگی - تاریخی آنها قرار دارد .» (ضمیران ، ۱۳۸۲)

در اینجا سئوالی مهم و عمیق پیش می آید که چطور اعراب بی هویت در پی هویت و تمدن خویش هستند یا حداقل به دنبال بهبود وضع خویش می باشند ، اما ایرانیان با این گذشته گران قیمت به بیماری بی هویتی دچار شده اند ؟ پاسخ می توان ، تکیه بیش از حد به گذشته باشد ، یعنی خواب و رویایی که ایرانیان دچار آن شده اند و همچنان در گذشته خود به سر می برند و حال را از یاد برده اند .

این امر یعنی توجه بدون مرز به گذشته و یا تکیه به آن بدون توجه به آینده ، سلايق و علايق می تواند به عنوان یکی از مسائل و مشکلات ایران و کشورهای که تمدن غنی دارند مطرح شود . علاوه براین که باید به تمدن خویش افتخار کرد نباید تکیه به آن داد و آینده را با نگاه به گذشته خراب یا بیهوده ساخت .

مردم معماری ایرانی و به شکل سنتی را می شناسند . رواق ، گنبد ، حتی پنج دری و عناصر دیگر را ، شاید هم نام آنها راه هم ندانند و یا حتی می دانند شیشه رنگی استفاده شده در ، پنجره و درها برای معماری ایران است ، ولی دلیل استفاده آن را ندانند . اما وقتی این عناصر بصورت امروزی ساخته شود ، دیگر آن را نمی شناسند . منظور از امروزی یعنی شیوه زندگی امروزی که درست یا غلط وارد جامعه ایرانی شده است . آن وقت است که به این معماری لفظ « بی هویت » اطلاق می شود . شیوه های زندگی امروزی باید به تدریج با شیوه زندگی اصیل خود تطبیق داده شود و آنرا بصورت شیوه زندگی ایرانی پدیدار کرد. در صورتیکه با ورود شیوه های نوین زندگی به ایران به کلی گذشته در پارچه ای به هم پیچیده شد و در صندوقچه ای پنهان گردید.



در ایران همه می دانند که سبکهای مختلفی از معماری وجود داشته است و در اعصار گوناگون روش و آیین ایرانیان تفاوت داشته است ولی هیچکدام دیگری را نقض نمی کرد حتی ممکن بود که این سبکها به هم کمک کرده باشند و یا هر سبکی را نسبت به سبک دیگر قوی تر یا ضعیف تر و یا سنتی تر یا پیشرفته تر بدانند. این سبکها از زمان ورود آریاییها به ایران و شروع معماری در ایران همچون ، معماری تپه سیلک تا ورود اسلام به ایران و حتی ورود معماری کارت پستالی که در زمان قاجاریه وارد ایران شد همه و همه دارای ویژگیهای منحصر به فرد خود بوده است. این کمک کردنها و نفی نکردنها دلیلی بسیار قانع کننده داشته است و آنهم علاقه به زیبایی بوده است و دوری از تخریب روشهای گذشته و استفاده در جهت بهینه کردن آن. مسئله ای که امروز به دست فراموشی سپرده شده است و عامل برتر تنها ظاهر امر قلمداد می گردد.

عمده این سبکها زیبایی شناختی اقشار آن دوره را ملاک قرار داده بودند به این مضمون که اگر در دورانی افراد با گریو بلند یا ارتفاع بلند سقف ، به اوج لذت زیبایی می رسیدند در سبکهای دیگر با گریو کوتاه و ارتفاع کوتاه سقف به این لذت دست می یافتند و این زیبایی به اوج تعلق پذیری روح بنا و زندگی نهایتاً منجر می شد. اما زیبایی که از آن صحبت شد با زیبایی به معنای امروزی کاملاً تفاوت دارد ، معمار مسلمان ، صرف خاص ، برای رسیدن به زیبایی از مطالب دیگر همچون درونگرایی - غیرت - ... گذر نمی کرد و سعی داشت این مطالب به سمت زیبایی صیقل داده شود و آداب و فرهنگ را فدای یک ظاهر بدون باطن نمی پنداشت .

« در جهان روشنفکری ایران تنها دو پارادایم همواره بحثهای آنها را شکل داده است ، یکی گفتمان غربزدگی و دیگر گفتمان بازگشت به خویشتن و کشف هویت که هر دو آنها از یک جا آغاز و به یک جا منجر شده است و لذا ما را از فهم کاستیها و معضلات درونی جامعه و فرهنگ ایرانی بازداشته و همواره به عنوان مانعی ساختاری چشم ما را به روی مسائل عینی و حاد معاصر کور کرده است. » (ضیمران ، ۱۳۸۲)

بنظر می آید هر دوسبک بالا خوب باشد به این دلیل که موجب گوناگونی آثار و تفاوت خلایق گشته است هر چند تمامی این تفاوتها مثبت نبوده است. اما اگر سرچشمه تعالی و اصالت حفظ گردد هر دو مثبت خواهند بود به واقع نکته مهم این است که ذهنیت و عینیت روح زندگی فراموش نشود و نمی توان گفت که به طور یقین کدام یک درست است و کدام نادرست کدام تاریخ یا تقسیم بندیها ما را به پیشرفت می رساند و یا ما را دور می کنند .

نمود زندگی گذشته در امروز را می توان با بومی ساختن آن حفظ کرد به این منظور که اصالت و اصل و ریشه باید حفظ گردد نه ظاهری که با دوران گوناگون می تواند فرق نماید. اگر به روح زندگی ایرانی توجه شود بسیاری از مشکلات برطرف خواهند شد و زیباییهای آن پدیدار می شود.

بورکهارت در زمینه عینیت و ذهنیت هنر اسلامی می گوید : « گرچه وحدت خود یک حقیقت کاملاً عینی است ، به نظر انسان یک مفهوم ذهنی و انتزاعی جلوه می کند. این امر و نیز یکی که از روحیه و طرز تفکر مردم سامی نژاد برمی خیزد علت انتزاعی بودن ، بودن هنر اسلامی است. » (بورکهارت ، ۱۳۷۲)

در اینجا لازم است برای ملموس تر شدن روح معماری نمونه ای که بسیار نیز گرانبها است توجه شود ، نمونه ای که به طور قاطع بومی است.

اگر بهترین فرش ماشینی را با بهترین طرح و بیشترین رج را در نظر بگیریم ، همیشه چیزی را کم دارد نسبت به فرش دستی و آنهم روح است. روحی که سخن به میان آمده است فرا طبیعی است .

فرآیند یک فرش دستی از زمانی که دار قالی زده می شود تا اتمام آن حداقل ۶ ماه تا یکسال طول می کشد . در آن مدت زندگی مردم اعم از غم و شادی - گریه و خنده و ... با فرش مانوس می شود. این روحی است که زمانیکه فرش چه در خانه ایرانی که با فرهنگ فرش مانوس است و احترام ایرانیان به آن را می توان در هر خانه ملاحظه کرد و چه حتی در یک خانه فرنگی که آداب و رسوم متفاوتی با ما دارند ، خودنمایی می کند و در زمان پهن شدن آن ، جلوه گر دیگری از هنر اسلامی - ایرانی را به رخ تمامی دنیا می کشاند .

این چنین هنرهایی در تمدن شگرف ایران کم نبوده است ، از نمونه های دیگر می توان به هنر موسیقایی ایرانی در دهه های گذشته اشاره کرد ، همچون دهه های ۴۰ و ۵۰ .

در موسیقی ایران همچنان موسیقی دهه های ۴۰ و ۵۰ در اذهان عموم است و هیچ گاه حس کهنه گی را نمی دهد ، این موسیقی به اذهان بیشتر کارشناسان اوج شکوفایی این هنر در ایران بوده است. حتی در این دوران است که موسیقی محلی به پله افتخار می رسد و موسیقی بلوچی ، خراسانی و ... خودنمایی می کنند .



موسیقی ای که پر از روح و لطافت و گوش نوازی است در صورتیکه موسیقی حال ما از این خصلتها به دور است . به نقل از کسی : ما با این موسیقی (موسیقی دهه های ۴۰ و ۵۰) متولد می شویم - زندگی می کنیم و می میریم . این همان روحی است که از آن در تمامی هم اندیشیها و مباحث صحبت به میان می آید .

هویت و محتوا برای هر اثر هنری لازم و ملزوم است به بیان کلی برای یک اثر هنری ، به فرض معماری ، این است که خود معماری را بشناسیم یعنی سنت را بشناسیم و به آینده نگاه کنیم ولی به فکر حال خویش باشیم و نیاز امروز خود را بشناسیم . به قول محمد ضیمران: « برای همه چیز ارزش قائلیم در عین حال برای چیزی ارزش قائل نیستیم .»

از نظر بورکهارت تفاوت معماری اسلامی با معماری های دیگر این است که « معماری اسلامی سعی نمی کند که سنگینی طبیعی سنگ را با نشان دادن یک حرکت صعودی در سنگ مرتفع سازد. چنانکه در معماری گوتیک متداول است. اعتدال بی حرکت مستلزم عدم حرکت است لکن در معماری اسلامی ماده سنگین و بی شکل با حکاکی طرحهای تزئینی اسلیمی و حجاری به اشکال مقرنس و مشبک سبکی شبیه به اشیاء حکاکی ماوراء یافته است. و بدین وسیله نور بر هزار جهت تابیده و سنگ و گچ را مبدل به یک جوهر قیمتی می سازد.» (بورکهارت ، ۱۳۷۲)

هر چه به مشکلات از دید عمقی توجه شود ، فاصله و شکاف میان روشنفکران و عوام نمود بیشتری پیدا می کند ، یکی از راهکارهایی که می توان فاصله میان اندیشمندان و جوامع عامه را برداشت ، استفاده از رسانه است.

بیش از هر چیز دیگر در دنیا امروزی این رسانه ها هستند که به افکار عمومی مشرف اند و آنها را به سمت و سویی مشخصی می کشانند. و کم هم نیستند این رسانه ها ، در انواع گوناگون از روزنامه گرفته تا رادیو و تلویزیون و پر کارترین رسانه های امروزی که رسانه های مجازی هستند .

رسانه ها در عرصه مفهوم رسانی و درک مسائل برای افکار عمومی می توان نقش عمده ای را بازی کنند تا بتوان به روشنفکری ایرانی به منظور واقعی خودشناسی ایرانی کمک کنند . در واقع شاید به کمک رسانه ها خلاء میانی بین اندیشمندان و جامعه پر گردد به شرط آنکه شخصیت ، دین ، گرایش سیاسی و یا هر چیز دیگری برای یک شخص از موضع احترام برخوردار شود .

در یک جمله می توان بیان نمود که : دیروز در امروز - امروز در آینده و آینده در امروز نمایان است ، یعنی زمان و تنها زمان است که نماینگر خیلی از مطالب می باشد و پراهمیت ترین موضوع زمان حال است . شاید با این تفکر بتوان خلاقیت به همراه زبان بومی را احیا کرد .

مطالب بالا چه از نظر تضاد و یا عدم تضاد ، یعنی زندگی ، یعنی هرکس تفکر کند و با فلسفه شخصی خویش جلو رود . زمانی زندگی و روح از بین می رود و دنیا می میرد که یک شخص فکر کند و دیگران بدون آنکه فکر کنند آن را انجام دهند .

در نتیجه می توان گفت که اگر به دوران سنت برگردیم و نگاه کنیم و چه به دوران مدرنیته و یا پست مدرنیته رویم و نظاره گر باشیم ، می توان دریافت که زندگی با این تقسیم بندی ها محدود نمی شود ، یعنی تمام عقلیت آدم بوده است که به اینجا رسیده است و همه در این نقطه باشیم ، شاید از لحاظ ظاهری متفاوت باشد و لی در باطن به بی هویتی چه در مسائل روزمره و چه در مسائل بنیادینتری همچون فرهنگ دچار شده ایم.

حال بیاییم به گذشته نگاه کنیم و یا تقسیم بندی های گوناگونی انجام دهیم ، نمی توان این مشکلات را از سر راه برداشت . تا زشت نباشد زیبایی معنا پیدا نمی کند و باید در نظر بگیریم که برای شخصی می تواند زشت ترین چیز در این تقسیم بندی ها ، زیباترین باشد . به گفته جان لاک : « ذهن یا (نفس انسانی) «لوح سفید»ی است که تصورات به دست آمده از جهان بر آن ثبت می شود.»

در پایان بهترین راهکارهایی که می توان برگشت به اصل خود را چه در جوامع غربی و چه در جوامع ایرانی تسریع بخشید اینگونه می توان نامید که :

۱- برای حال فعالیت انجام دهیم یعنی با توجه به عقبه و گذشته مان و تجربه بدست آمده برای انسانی که در امروز زندگی می کند و در اطراف آن هیاهوی عجیبی قرار دارد ، بتوان جایی از این کره خاکی او را به آرامش رساند.



- ۲- تمامی مسائل را از دید صرف زیبا شناختی آن نبینیم ، بلکه به ذات و فطرت استفاده شده در آن بنگریم ، اگر با این دید به مسائل نگاه کنیم زوایای دیگری از آن ملاحظه خواهد شد و در بحث زیبایی به زیبایی های دیگری دست پیدا خواهیم کرد.
- ۳- فاصله میان تفکر بین اندیشمندان و عوام در جوامع امروزی بسیار زیاد شده است ، با توجه به راهکارهای ارائه شده هر چه سریع تر باید این فاصله کمتر شود ، فاصله ای که با توجه به علاقه عوام ، از طریق آن نیاز مسائل فرهنگی گفته شود و آگاه سازی در بین عامه صورت پذیرد تا بتوانند مسائل را تفکیک نمایند.
- ۴- توجه به گذشته بسیار پسندیده است ، اما تکیه صرف به آن کافی نیست . با توجه به شرایط امروز جهان شرایط نیز باید تغییر نماید اما این تغییر باید با توجه به آداب و رسوم ، فرهنگ و تمدن و بطور خلاصه بومی پذیری انجام گیرد. در پایان مهمترین عاملی که امروزه تمام جهان گرفتار آن است و نمی تواند هنر ماورالطبیعی داشته باشد ، دوری از خود است یعنی بدون توجه به وضعیت کنونی خود و همچنین بدون توجه به تمدن ، فرهنگ و آداب و رسوم خود به خلق آثار می پردازد ، یعنی تمام داشته های خود را کنار گذاشته و یک روزمرگی را برای افراد آماده می کنند نه اینکه خلق نماید و روح را در آن متجلی نماید ، پس از مدتی نیز ارضا می شود و دوباره سراغ مد و روزمرگی جدیدی می رود بدون اینکه توجه داشته باشد که اگر به اصل خود برسد دیگر از او خسته نخواهد شد ، چون درک اصلی از ارضای خود را فهمیده است و دیگر نمی تواند برای او خسته کننده باشد .
- با این رویکرد در عین تفاوتها ، جذابیتها و شگفتی و بهت و هیجان زدگی آثاری خلق شده است که همراه با اصالت خویش بیان گردیده . دقیقاً همانگونه که تمدن ایران ، یونان و مصر در گذشته دارا بوده اند . تخت جمشید برای هر کسی در جهان همانقدر جذابیت و شگفتی دارد که آکروپولیس در یونان و اهرام ثلاثه در مصر ، در صورتیکه هر یک از آنها هویت ، اصالت و فرهنگ خود را دارا می باشند .
- نکته دیگر در این است که در گذشته معماری در خدمت مذهب الهی بوده است نه در خدمت مذهب سیاسی . بر این اصل کارها با تفاوتهای ظاهری اما در باطن از یک اصالت برخوردار بوده اند. این تفاوت خدمتی معماری موجب دورتر شدن معماری از اصل و نزدیکتر شدن آن به روزمرگی سیاسی و بیان معماری بی هویت و نمایش آثار بی کیفیت مبدل شده است و جذابیتهای معماری با اصل ، که در ظاهر متفاوت و در باطن یکسان بوده است ، دیگر پدید نیامده است .
- به امید روزی که اصل خویش را منبع و عامل برتر نسبت به روزمرگی قرار دهیم .



منابع :

- ۱- بانی مسعود ، امیر ، ۱۳۸۷ ، پست مدرنیته و معماری ، نشر خاک ، اصفهان
- ۲- دیباج ، ۱۳۸۹ ، مصاحبه ، هنر اسلامی (هویت و محتوا) ، تهران
- ۳- ضیمران ، محمد ، ۱۳۸۲ ، ما مدرنیته را پذیرفته ایم اما با آن زندگی نمی کنیم ، www.bashgah.net ، تاریخ برداشت : ۱۳۸۸/۱۱/۲۶
- ۴- ضیمران ، محمد ، ۱۳۸۲ ، ما مدرنیته را پذیرفته ایم اما با آن زندگی نمی کنیم ، www.bashgah.net ، تاریخ برداشت : ۱۳۸۸/۱۱/۲۶
- ۵- ضیمران ، محمد ، ۱۳۸۲ ، روشنفکر و قدرت و مهاجرت ، یاس نو
- ۶- ضیمران ، محمد ، ۱۳۸۲ ، روشنفکر و قدرت و مهاجرت ، یاس نو
- ۷- بورکهارت ، تیتوس ، ۱۳۷۲ ، روح هنر اسلامی ، www.bashgah.net ، تاریخ برداشت : ۱۳۸۸/۱۰/۱۵
- ۸- بورکهارت ، تیتوس ، ۱۳۷۲ ، روح هنر اسلامی ، www.bashgah.net ، تاریخ برداشت : ۱۳۸۸/۱۰/۱۵
- ۹- کیگان ، ادوارد ، ۱۳۸۶ ، شهر آینده شیکاگو ، لس آنجلس ، نیویورک در سال ۲۱۰۶ ، مجله معمار
- ۱۰- معماریان ، غلامحسین ، ۱۳۸۳ ، سبک شناسی معماری ایرانی ، سروش دانش ، تهران

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی